



ایران در دوران معاصر

تاریخ کرمانج‌ها (کرد های خراسان)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۲۰ مرداد ۱۳۹۲ - ۱۴ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

برگی از تاریخ کرمانج‌ها چه کسانی هستند و چه دستاوردهایی داشته‌اند؟ کردهای خراسان را کرمانج می‌نامند. پیش از پرداختن به پیشینه ی کردهای کرمانج شمال خراسان در مورد واژه ی کرمانج توضیحاتی ارائه می‌گردد سپس به اصل موضوع یعنی کردهای خراسان پرداخته می‌شود. فاروق صفی زاده در مورد واژه کرمانج می‌نویسد: «کرمانج که کوتاه شده گرد (kurd) است و دیگر مان (man) که همان ماننایی (mannay) است یکی از قبایل ماد بوده‌اند که در سده نهم پیش از زایش در زاگرس فرمانروایی کرده‌اند و در هنگام تشکیل فرمانروایی ماد به م



برگی از تاریخ

کرمانج ها چه کسانی هستند و چه دستاوردهایی داشته اند؟ کردهای خراسان را کرمانج می نامند . پیش از پرداختن به پیشینه ی کردهای کرمانج شمال خراسان در مورد واژه ی کرمانج توضیحاتی ارائه می گردد سپس به اصل موضوع یعنی کردهای خراسان پرداخته می شود.

فاروق صفی زاده در مورد واژه کرمانج می نویسد : « کرمانج که کوتاه شده کُرد (kurd) است و دیگر مان (man) که همان ماننایی (mannay) است یکی از قبایل ماد بوده اند که در سده نهم پیش از زایش در زاگرس فرمانروایی کرده اند و در هنگام تشکیل فرمانروایی ماد به مادها پیوسته اند »¹. جاناتان رندل در این باره نوشته است : « کردی کرمانجی ... زبان کردان چادر نشین است »



برگی از تاریخ

2. «کرمانج ... ظاهراً به برخی قبایل کردستان جنوب اطلاق می شود آن هم نه در مقام مترادفی برای عشیرت ، بلکه به عنوان یک برچسب قومی . سون می نویسد که کرمانج ها پاک ترین خون کردی را دارند . سایر قبایل را به طور ساده کرد می خوانند . در کردستان شمال نیز لفظ کرمانج اغلب در دو معنی متفاوت به کار می رود :

-الف: برچسبی قومی است که در اشاره به تمام کردهایی که به لهجه ی کرمانجی شمال سخن می گویند به کار می

رود

-ب: در مفهومی محدودتر در اشاره به رعایای کشاورز به کار می رود. دهقانان غیر قبیله ای شاتاق که زیرحکم و سلطه ی گراوی ها هستند کرمانج خوانده می شوند. همین طور در شرناک و روستاهای پیرامون آن کشاورزان غیر قبیله ای را کرمانج می خوانند.

به این ترتیب، لفظ واحد کرمانج که در جنوب در اشاره به فاتحان قبیله به کار می رود و در شمال مخصوص رعایای کرد غیر قبیله ای است؛ خود نشان دهنده ی رابطه ی پیچیده ای است که بین بخش های قبیله ای و غیر قبیله ای جامعه ی کرد موجود است و این پیچیدگی بسی بیش از آن است که تئوری ما فوق طبقاتی روا می دارد ... کرمانج ها معمولاً زمین داران خرده پا و مستقل هستند ... کرمانج ها در این جا احتمالاً کردهای قبیله ای (یا پیشتر قبیله ای) بوده اند که در این منطقه بر زمین هایی که تصرف کرده اند ساکن شده اند»

3. لفظ کرمانج در شمال خراسان؛ هم به چادر نشینان کرمانج زبان، و در مفهوم عام تر به کردهایی که گویش کرمانجی دارند اطلاق می شود. و هرگاه سخن از کرمانج است کردنژادان کرمانج زبان مدنظر می باشند.

اما کردهای خراسان دارای چه پیشینه ای هستند؟ چرا کردها به خراسان کوچ داده شده اند؟ آیا پیش از آمدن کردها در زمان صفویه کردهایی در خراسان سکونت داشته اند یا خیر؟

در رابطه با آمدن کردها به خراسان و دلایل آن پیشتر به طور کامل توضیح داده شد.

از آن جا که فرهنگ، آداب و رسوم و باورها به نوعی در ترانه های کرمانجی شمال خراسان تبلور یافته، شناخت بیشتر کرمانج خراسان باعث ژرف نگری بیشتر در ترانه های این مردم می گردد و سعی می شود در این خصوص توضیح بیشتری داده شود.

کلیم ا... توحیدی مؤلف چند جلد کتاب حرکت تاریخی کرد به خراسان در مورد زمان و دلیل آورده شدن کردها به خراسان می نویسد: «کرمانج خراسان که در اوایل دولت صفوی برای جلوگیری از تاخت و تاز ترکمانان و ازبکان به مرزهای شمال ایران انتقال داده شدند تحت عنوان سه ایل بزرگ زعفرانلو، شادلو، قراچورلو قرار دارند»

کلیم ا... توحیدی با اشاره به این که از زمان شاه اسماعیل صفوی، کردها به ویژه قرامانلوها به طور پراکنده برای دفاع از مرزهای خراسان به این دیار آسیب دیده آورده شدند و بعدها جانشینان شاه اسماعیل هم سیاست انتقال کردها به خراسان را ادامه دادند، می نویسد:

«شاه عباس که پادشاهی تیز هوش و سیاستمدار بود با توجه به فلسفه ی ابن عمید که گفته بود: کردها را باید سپر بلا قرار داد، درصدد انتقال کردها به خراسان بر آمد ... حدود پنجاه هزار خانوار، کوچ بزرگ و تاریخی خود را از آذربایجان به سوی سرزمین ری آغاز کردند، این حرکت که در حدود سال (1005 هـ. ق) انجام گرفته بود باعث شد کردها مدت دو سال در جلگه ی تهران و خوارو ورامین اتراق نمایند. 5»

جاناناتان رندل نیز در خصوص مهاجرت کردها به خراسان می نویسد:

«شاه عباس اول به این جریان (مهاجرت کردها) شتاب بخشید . کردهایی بودند که از زادگاه خود کنده شده به شرق فرستاده شدند ، نخست به آن سوی مرز آذربایجان ، سپس به خراسان در مقابل ترکمانان که هنوز همان جا مانده اند - یعنی هزار مایل دور از زادگاهشان - به این ترتیب صفویه قبایل سرکش کرد را از مرزهای غربی خود کردند و شگفتا آنها را به پاسداری از دیگر مرزهای آشفته ی کشور گماشتند و سایر قبایل کرد را به مناطق دورتری فرستادند ، به هندوکش در افغانستان و بلوچستان امروز .»

دکتر حشمت ا... طبیبی در کتاب جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر آورده است:

« بارتولد در تذکره ی جغرافیای تاریخی ایران می نویسد : شاه عباس برای صیانت مملکت از تاخت و تاز ترکمن ها و ازبکان تصمیم بدان گرفت که کردهای جنگجو را از ولایت غربی بدین سامان (خراسان) کوچ دهد . بر اثر این تصمیم پنج ولایت کرد نشین در کلیه سرحد از استر آباد تا چناران تشکیل داد .

طوایف کرد خراسان که از ایلات کرد ساکن در خاک عثمانی موسوم به چمشگزک بودند ، چون مذهب شیعی داشتند در زمان صفویه به داخل ایران آمده سپس به خراسان کوچ داده شده اند و در اواخر دوره ی صفویه به گرد زعفرانلو معروف شده اند. این ایل بزرگ از 32 شاخه تشکیل شده که به هر شاخه «ایل» می گویند و در شهرهای اسفراین ، بجنورد ، دره گز ، شیروان ، قوچان و نیشابور پراکنده اند .

ایل شادلو نیز ، از ایلات کرد خراسانند که آنها نیز از قفقاز به آذربایجان ، سپس به خراسان کوچ داده شده و در شمال غربی آن مستقر شده اند .

پرفسور اسماعیل حسین زاده بوانلو استاد دانشگاه در آمریکا درباره ی مهاجرت کردها به خراسان نوشته است:

« مهاجرت کردها به خراسان عمدتاً در زمان حکومت شاهان صفوی و به منظور دفع تجاوزات مکرر ازبک ها و مغول ها و ترکمان ها به کرانه های شمال شرقی ایران صورت گرفته است .

این مهاجرت که در اواسط قرن دهم قمری یعنی از زمان شاه اسماعیل و شاه طهماسب شروع شده بود در اواخر این قرن و اوایل قرن یازدهم یعنی در زمان حکومت شاه عباس به اوج خود رسید ؛ چه در این زمان بود ؛ که ازبک ها نه تنها مشهد را تسخیر کرده و خراسان را میدان تاخت و تاز خود قرار داده بودند ؛ بلکه نواحی شاهرود ، دامغان ، سمنان ، ورامین ، کاشان و اراک را هم زیر پا گذاشته بودند .

مهاجرت و مقابله به موقع کردها، مخصوصاً مبارزات رزمندگان دو ایل بزرگ و معروف زعفرانلو و شادیلو باعث جلوگیری از پیشروی بیشتر ازبک ها شده و پس از مبارزات خونین و فراوان سرانجام موجبات بیرون راندن آنها از ایران را فراهم آورد .»

فصلنامه ی خراسان پژوهی نیز در مورد زمان و دلیل کوچ اجباری کردها از غرب به شرق ایران می نویسد :

« مهاجرت تاریخی کردها به فرمان شاه عباس صفوی در حدود (1007 هـ . ق) آغاز شد . طی آن 40 هزار خانوار از کردهای غرب کشور جهت حفاظت و حراست از مرزهای شمال شرقی که گاه و بی گاه توسط اقوام ترک و به ویژه

ازبك مورد تهدید قرار می گرفت به این منطقه کوچ داده شدند. کردهای مهاجر در سرحدات شمال شرقی استقرار یافتند تا دیوار انسانی و سپر بلایی باشند در مقابل هجوم ازبك ها به قلمرو داخلی و به خصوص مرکز ایران عصر صفوی.»

صالح ملا عمر عیسی نیز نوشته است: « شاه عباس اول 150/000 کرد را به خراسان نقل مکان داد تا در مقابل تجاوز بیگانگان از مرزهای ایران دفاع نمایند و علت آن نیز این بود که درجنگیدن با دشمنان متجاوز، از شجاعت خاصی برخوردار بودند.»

همچنین مؤلف کتاب کردها و سرزمین شان در مورد محل اسکان کردهای خراسان می نویسد:

« درشرق دریای خزر و در 200 مایلی شمال شرق مشهد، در استان خراسان، اطراف شهرهای بجنورد و شیروان آبادی های کردنشینی وجود دارند، که بیش از هزار مایل با دیگرکردها فاصله داشته و جمعیت شان حدود دویست هزار نفر است.» 13

علی خراسانی در مصاحبه با فصلنامه ی آواشینچاپ انستیتوی کردی سوئد می نویسد:

«کردهای خراسان از ترکیب کردستان بزرگ ... کرد های سوریه، قفقاز، باکو، ترکیه، کردهای جنوب عراق، ماکو و مهاباد تشکیل شده اند ... و کردهای افغانستان، پاکستان و هندوستان هم از خراسان به آن ولایت رفته اند.» 14

علی رغم تحقیقات صورت گرفته در مورد کردهای خراسان و ارائه نظریات متفاوت هنوز یک سؤال اساسی بی پاسخ مانده است: آیا کردها پیش از مهاجرت زمان صفویه هم در خراسان می زیسته اند و یا خیر؟

این ابهام را، هر چند به استناد برخی نظرها می توان برطرف کرد؛ ولی راستی چه پیوندی بین کرد خراسان و ترکیه وجود دارد؟

آیا امکان ندارد تعدادی کرد نیز از خاور زمین به غرب رفته باشند و نام خراسان را با خود به استان ارز روم برده باشند که امروز شهرهای قوچان، شیروان و طوایف کیکان، سیوکان، اُمران بنا به نظر انستیتوی کردی سوئد در ایران و ترکیه وجود دارند و این که بگوییم همه ی کردهای خراسان یک باره از غرب آمده اند؛ پس چه کسانی در 500 سال قبل این مناطق و مرزها را در دست داشته اند؟

مؤلف کتاب جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر در مورد احتمال از شرق به غرب رفتن برخی قبایل می نویسد:

« محتمل است، مهاجرت گروهی قبایل و طوایف ایرانی از مشرق ایران به سوی غرب، تدریجی بوده و این قبایل بعد از مدتی جدایی از یکدیگر در کوهستان زاگرس و سواحل دجله به هم رسیده اند. و چون همزاد و همزبان بوده واز حیث دین، اخلاق، آداب و رسوم اختلافی بین شان نبوده، آمیزش و اختلاط آنها با هم به سهولت انجام پذیرفته است.» 15

مینورسکی محقق کردشناس روس نیز در نظری مشابه در بیستمین کنگره جهانی خاورشناسان گفته است :

«کردان قومی هستند که از ایران خاوری برخاسته اند» ولی در این باره باید تحقیقات بیشتری صورت گیرد و این يك نظریه بیش نیست .

«حقیقت این است که کردها قبل از زمان صفویه نیز در خراسان سکني داشته اند . گرد بودن ابومسلم خراسانی خاطرات دعبل خزائی در راه عبور و رسیدن به مرو و برخورد او با گرد های علوی ، خاطرات تیمور در کتاب منم تیمور جهانگشا ، که در مسیر قوچان به گروهی برمی خورد ؛ که می گویند : ما گردیم و همزمان با دوره ی تیمور ، کلاویخو نیز در سفرنامه ی خود اشاره به وجود کردها در خراسان می نماید. همه و همه دلیل بر وجود کردها پیش از زمان صفویه در خراسان است .



برگی از تاریخ

کردهای شمال خراسان شیعه مذهبند و جمعیت شان بیش از يك میلیون نفر است و ادبیات شفاهی این مردم به علت نداشتن رسم الخط کرمانجی خراسان در معرض آسیب جدی است که امید می رود کار به دستان فرهنگی با حمایت از فرهنگ های بومی زمینه تقویت فرهنگ ملی را فراهم آورند .

کردها که کلمه ایران را با یای مجهول می خوانند و با رسم الخط کوردی چنین مینوشتن (ئیران) و (ئیر) و (ئار) هر سه به معنای (مقدس) و (اتش) می باشند از آنجا که آتش در روزگار باستان مقدس ترین عناصر شناخته شده و مورد نیاز بوده است نامش از (ئیر) گرفته شده و چون سرزمین ایران نیز همچون آتش مورد پرستش و تقدس بوده است نام (ئیران) بر آن نهاده اند یعنی سرزمین مقدس و سرزمین و جایگاه دوست داشتنی و محترم و مورد پرستش. و آریا به معنایی (ئاری ها) است. یعنی کسانی که (ئار) = (آر) را می پرستیدند. یعنی آتش پرست بودند. بنابراین مفهوم آریائی ها یا آری ها کاملاً آشکارا میشود که چرا بر مردمان این سرزمین اطلاق شده است. بعدها بعضی از آری های غیر کورد به هندوستان و برخی به اروپا مهاجرت کردند که امروزه شاخه های هندی اروپای راتشکیل میدهند. اگر امروز واژه های همانند فراوانی در کرمانجی و زبانهای انگلیسی و آلمانی یا فرانسوی میبینیم معلول همان علت قرابت اولیه است. بابرسر کار آمدن صفوی و برای مقابله با امپراتوری استعمارگر و توسعه طلب عثمانی که خود را وارث بالاستحقاق سرزمین های اسلامی می پنداشت مذهب تشیع را در مقابل تسنن در ایران رسمیت داد. تشکیل دولتی شیعه مذهب در ایران که چهار طرف آن را حکومت های سنی مذهب تشکیل می داند کاری سهل و آسان نبود بنابراین ایران از هر سو به ویژه از شمال شرقی و غرب کشور مورد تجاوز امپراتوری عثمانی و ازبکان متحدش قرار گرفته

بود. امپراتوری عثمانی هر وقت می خواست از غرب به سرزمین ما حمله کند جبهه ای نیز به وسیله متحدان سنی خود در شرق می گشود و از بکان را به حمله ی خراسان و قتل و غارت و تخریب و امید داشت . شاه اسماعیل اول کسی بود که به وسیله کوردها قرامانلو تحت فرماندهی بیرام بیگ قرامانلو جبهه خراسان در مقابل اوزبکها را برقرار ساخت و بدنبال وی فرزندش شاه طهماسب با انتقال کردهای زنکته و چگنی و زیگ و کلهر به تقویت نیروهای خراسان پرداخت. در اواخر سلطنت سلطان محمد صفوی و اوایل حکومت شاه عباس اوزبکان بر شدت حملات خویش افزوده خراسان را تبدیل به ویرانه ای ساختند و شاه عباس جرات نکرد از منطقه ری پا فراتر نهد و عازم خراسان گردد. در نتیجه شهر های مشهد و اردکان و سبزوار و نیشاپور و اسفراین یکی پس از دیگری به وسیله عبدالمومن خان اوزبک غارت و تخریب شدند و این زمان سال 1000 هجری مطابق پنجمین سال سلطنت شاه عباس بود . اسفراین از جمله شهر هایی بود که همچون مشهد در برابر هجوم سیل آسای اوزبک بشدت مقاومت نمود. ابو مسلم خان چاولشو حاکم اسرافین با جمعی از غازیان استاد جلو و اکراد و غیره که در آن قلعه جمع آمده بودند به حفظ و حراست قلعه و استحکام برج و بارو پرداخت و در لوازم قلعه داری می کوشیدند و عبدالمومن خان در تسخیر حصار اسفراین سعی بسیاری نمود توپها نصب کرده و تا چهار ماه مدت محاصره امتداد یافته چند مرتبه یورش عظیم واقع شد و محصوران قلعه مردانگیها کرده در هر یورش جمع کثیری از بهادران اوزبکیه مقتول گشته و خندق قلعه از اجساد و قتیلان انباشته گردید چنانچه موازی چهار هزار کس از اوزبکیه تخمین در جنگ آن قلعه نابود شدند...

مجملاً بعد از چهار ماه ابو مسلم خان زد و خورد نموده قلعه را نگا هداشت و کار محصوران تنگ شده... "اوزبکیه بر برج عروج نموده و بر قلعه مستولی گشتند و دست به قتل و غارت برآورده بر متنفسی ابقاء نمی کردند. ابو مسلم خان با چند نفر از جوانان دریکی از برج ها خود را حفظ نموده تا سه روز جنگ کردند و تا تیر در ترکش و گلوله و باروت با خویش داشتند احدی از بهادران اوزبکیه جرات آن نبود که بر آن برج ظفر بیاورد. بعد از آنکه اواز تفنگ انقطاع یافته صفیر تیر از رفتن بازماند اوزبکیه دانستند که دیگر حالت محاربه ندارند هجوم نموده برج را گرفتند و آن شیر مردان متاع گرانیامیه جان را در رسته بازار اخلاص و غیرت و مردانگی به معرض بیع درآورده با خنجر بران و تیغ خونفشان با اوزبکیه دست به گریبان شدند و مردانه وار شربت ناگوار هلاک چشیدند کچل قباد کلهر که از جمله محصوران و گرفتاران آن برج بود یکی از بهادران اوزبکیه که او را می شناخت به مردانگی او حیف آمده او را حراست نموده و صحیح و سالم شب از اردوی اوزبکیه بیرون کرده به عراق (عراق عجم - قزوین و...) آمده بود و حقیقت قضیه ی مذکور را به نوعی که مرقوم گشت به بنده اسکندربگ ترکمان تقریر نمود...

بله شهرهای خراسان یکی بعد از دیگری تخریب و نابود میشد و جوانان و مردان آن در خاک و خون می غلطیدند و زنان و کودکان به اسیری برده میشدند که در بازارهای خیوه و بخارا به فروش میرسیدند و شاه عباس به اصطلاح کبیر فارغ از هرگونه نگرانی در دربار قزوین در عیش و نوش و لهو و لعب بود. " در سال 1001 فرهاد خان قرامانلو سپهسالار شاه عباس . گیلان و مازنداران را بتصرف در اورد و به مرزهای خراسان نزدیک شد. اردوی شاه عباس نیز تابستام پیش آمد اما چون نامه ی تهدید امیر عبدالمومن خان به او رسید از بیم جان خود بسوی قزوین بازگشت.

در سال هفتم جلوس شاه عباس فرهاد خان کرد قرامانلو و برادرش ذوالفقارخان به تمام شورش های گیلان پایان دادند چون در سال هشتم جلوس خوزستان سر به شورش برداشت فرهاد خان عازم سرکوبی شورش آن منطقه شد. در سال بعد که نهمین سال جلوس شاه و مطابق 1004 قمری بود شاه عباس به جمع نیرو پرداخت که به سوی

خراسان حرکت کند چون اوضاع خراسان و اثرات سوئی که بر اثر بی کفایتی شاه عباس در سراسر ایران بخشیده بود شاه را مجبور میکرد وضع خویش را در قبال بیگانه گان در جبهه ی شرقی روشن کند تا شورش های داخلی فروکش نماید.

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تاریخ کرمانج ها (کرد های خراسان)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1315/pdf/برگی-از-تاریخ.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۵ آبان ۱۳۹۹